

## بررسی عوامل مؤثر بر

### بزه دیدگی زنان شهر تهران

سهیلا صادقی فسائی\*، زهرا میرحسینی\*\*

امروزه تحولات نوین **چکیده:** حوزه مطالعات جرم شناسی سبب شده است که توجه محققین علوم اجتماعی و جرم شناسی به آن سوی عمل مجرمانه، یعنی قربانیان جرایم معطوف شود. بر اساس رویکردهای قربانی محور، شرایط حاکم بر تکوین جرم و وقوع بزه دیدگی مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد تا بتوان جهت پیشگیری از جرم و کاهش تبعات آن گام برهنگذارد. حاضر که مبتنی بر پژوهشی کیفی است، با استفاده از روش تحقیق کیفی و انجام مصاحبه‌های عمیق با ۶۵ زن ۱۹ تا ۳۵ ساله تهرانی، علل بزه دیدگی زنان را بر اساس روایت خود آنان مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار دهد. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که زنان مصاحبه شونده عواملی نظیر: بی‌احتیاطی زنان، نوع فعالیت روزمره، نوع رفتار و پوشش، خشونت در حوزه خصوصی و عمومی، نابسامانی خانوادگی و ضعف در جامعه پذیری ناکارآمدی یا نبود قوانین حمایتی و اجتماعی، عدم آموزش روشهای دفاع از خود، درهم ریختگی فضای شهری، وجود مکان‌های جرم خیز و مخفی نظیر زیرگذرها و معابر تاریک، وجود نابسامانی اجتماعی و اقتصادی نظیر بیکاری و فقر را در کنار ویژگی‌های فیزیولوژیک و زیستی، از جمله مهم‌ترین دلایل بزه دیدگی می‌دانند.

**واژگان کلیدی:** بزه دیدگی، ترس از جرم، زنان، خشونت، عدم ادغام اجتماعی.

#### مقدمه

بحث در مورد قربانیان زمانی در حاشیه جرم شناسی مطرح می‌شد، اما امروزه یکی از بحث‌های مرکزی و کلیدی جرم‌شناسی، توجه به قربانیان و نیازهای تلخ فعالیتت کمی و کیفی که در این زمینه صورت گرفته، موضوع جرم شناسی متأخر را تغییر داده است. مسئله قربانیان، مثلث سه گانه قدیمی را که بر روی جرایم، مجرمین و کنترل آن‌ها متمرکز بود، برهم زده و جرم شناسان را وادار ساخته این مسئله

s\_sadeghi@yahoo.com

sz\_mirhoseini@yahoo.com

\*دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

گارسناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۰۱

را تشخیص دهند که جرم عواقب دردناکتر از آنچه قابل تصور است، به دنبال دارد. قربانیان جرایم که تا به حال در فرآیند عدالت کیفری به فراموشی سپرده شده بودند، امروزه نقش کلیدی را در این فرآیند بازی می‌کنند.

بدین جهت اکنون در میان جدیدترین معارف جرم شناختی، دیگر مسئله عمده مجرم نیست، بلکه بزه دیده است؛ یعنی کسی که شیوه زندگی و فعالیت‌های روزمره وی، ممکن است او را در برابر جرم آسیب پذیر کند (یانگ<sup>۱</sup> و راش<sup>۲</sup> به نقل از سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۲۴۵).

اهمیت قربانی شناسی در مباحث جرم شناسی در مواردی نظیر آشکار شدن جرم و بدست آوردن نرخ جرم در سطح جامعه نمود می‌یابد؛ چرا که بعضی از جرایم به علت عدم شکایت قربانیان هرگز شناخته نشده و مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرند. امروزه توجه به قربانیان و نیازهای آن‌ها در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی نه تنها به لحاظ سیاسی اهمیت پیدا کرده، بلکه مورد توجه جرم شناسی قرار گرفته است. مسائلی که در حوزه قربانی شناسی می‌تواند مورد بحث قرار گیرد عبارتند از: ترس از جرم، فشارهایی که جرم بر روی شیوه‌های زندگی دارد، تأثیر جرم بر روی قربانیان نوجوه قربانی شدن، علل و عوامل مؤثر بر بزه دیدگی و جلوگیری از قربانی شدن ثانویه که می‌تواند راهکارهای نوین و متفاوتی را در مبحث پیشگیری از جرم و بزه دیدگی‌های مکرر آشکار سازد.

### ادبیات نظری تحقیق

علاقمندی به بحث قربانیان سابقه تاریخی طولانی دارد. واژه قربانی شناسی<sup>۳</sup> اولین بار در سال ۱۹۴۹ توسط روانکاو آمریکایی هینریش ورتام به کار برده شد و اولین کتاب در سال ۱۹۴۸ توسط فردی به نام ون هنتنگ<sup>۴</sup> نوشته شد به ماهیت سنتی جرم شناسی که مجرم محور است، انتقاد کند و معتقد است، قربانی صرفاً یک بازیگر منفعل نیست و با ارائه یک سنخ شناسی روانشناسانه معتقد است که بعضی از افراد می‌توانند قربانیان مساعد باشند. مندلسون نیز در سال ۱۹۵۶ بر اساس هدفمندی بودن، یک تقسیم بندی به شدت اخلاقی ارائه می‌دهد و بر روی یک طیفی از قربانیان

1. Yooung

2. Rush

3. victimology

4. Hans von Hentig

بررسی عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران ۳۷

کاملاً بی‌گناه تا قربانیان گنه‌کار بحالتجرم می‌کنند تقسیم بندی وی مورد انتقادات شدیدی از سوی گروه‌های مختلف از جمله فمینیست‌گرفته است، ولی هدف وی تبرئه مجرمین نبوده، بلکه وی درصدد بود تا در برنامه‌های پیشگیری از جرم، میزان قربانی شدن را کاهش دهد.

در مجموع در حوزه قربانی شناسی می‌توان به نوع قربانی شناسی عمومی و کیفی اشاره کرد؛ از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های قربانی شناسی کیفی و محدود آن می‌توان به «ارائه دیدگاهی پویا بر پایه کنش متقابلی که در آن قربانی بازیگر منفعل نیست»، «دخیل بودن قربانی در ارتکاب جرم»، «ارائه سنخ شناسی از قربانیان»، «بررسی رابطه قربانی شناسی و جلوگیری از جرم که از موضع و منظر قربانی به مسئله نگاه می‌کند»، «استفاده از راه حل‌های غیر تنبیهی مانند میانجی‌گری برای دادن فرصتی دوباره به مجرم و قربانی»، «تعریف محدوده قربانی شناسی به وسیله قانون کیفری» و «توانمند سازی قربانی و مجرم» اشاره کرد. در مطالعات نسل اول قربانی شناختن همان پایه گذاران قربانی شناسی کیفی، بعضاً فرد قربانی نیز به علت نقشی که در بزه دیدگی خود دارد، مورد سرزنش قرار گرفته که این امر از سوی بسیاری از صاحب نظران مسأله اجتماعی، از جمله فمینیست‌ها مورد نقد قرار گرفته است. بنا بر عقیده بسیاری از منتقدین این نظریات، سرزنش قربانی در بسیاری از موارد می‌تواند، زمین‌هایی را برای سوء استفاده و دفاع از مجرم فراهم آید. خصوصاً، انتقادات جرم شناسان فمینیست از اهمیت خاصی برخوردار است. آن‌ها با تأکید بر این موضوع که مجرم و قربانی به لحاظ قدرت و منزلت در یک مرتبه قرار ندارند، لذا سزاوار توجهات یکسان نمی‌باشند، سرزنش قربانیان را امری غیر موجه می‌دانند. اما در نقد دیدگاه قربانی شناسی عمومی نیز گفته می‌شود که تأکید بیش از حد بر حقوق قربانی، می‌تواند موجب گردد که بسیاری از افراد، بی‌رویه منزلت قربانی شدن را طلب نمایند و از طرفی از مسئولیت‌های شخصی سرباز زنند و فرهنگ شکایت و تشدید تنبیه مجرمین شایع‌گردد. هر حال قربانی شناسی میدان جدیدی در مطالعات جرم شناسی تولد یافته است. استفاده از آن، بسیاری از تحقیقات را با محوریت این رویکردها انجام رساند. «آشکار ساختن جرایمی که گزارش نمی‌شوند»، «آشکار ساختن ارقام سیاه جرم»، «بیین نقش قربانیان در وقوع جرم»، «پرده برداری از فرآیند تکرار قربانی شدن»، «ارائه اطلاعاتی در مورد عواملی که باعث جریان قربانی شدن می‌شود»، «بررسی تأثیر جرم بر قربانیان» از مهم‌ترین نتایج تحقیقات و پیمایش‌ها انجام شده با موضوع قربانی شناسی می‌باشد. در سال‌های اخیر که این دسته از مطالعات مورد توجه محققان علوم اجتماعی قرار گرفته، آنان با به

کارگیری مفاهیم و نظریات متفاوت به تبیین علل بزه دیدگی و بررسی جنبه‌های گوناگون آن پرداخته‌اند. با این حال این حوزه در کشور ما چندان مورد توجه واقع نشده است. از این رو در این تحقیق نویسندگان ضمن بررسی نظریات مطرح شده، به عنوان پیشینه تحقیق و تکیه بر نقاط ضعف و قوت آن‌ها بر آنند تا با استعانت از این گونه نظریات عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند.

قابل ذکر است که انتخاب این رویکردها بعد از شناسایی متغیرهای اکتشافی و فرضیه‌ها در مصلحت عمیق، صورت پذیرفته است. بیان این ادبیات، جهت آشنایی با موضوع است. لازم به ذکر است که به علت ماهیت کیفی تحقیق، محققین با یک رویکرد نظری خاص و مشخص به بررسی پدیده مورد نظر نپرداخته‌اند، بلکه با تکیه بر مصاحبه‌های عمیق و کیفی به دنبال کشف فرضیه‌ها و درک تجربه زیسته زنان بوده‌اند. اگرچه در مرحله تحلیل داده‌های موضوع به عنوان چهار چوب‌های ارجاعی مورد استناد قرار گرفته‌اند.

### نقش آفرینی بزه دیده در بزه دیدگی

جرم شناسی اولیه با محوریت مجرمین و توجه به خصوصیات و انگیزه‌های آن‌ها شکل گرفت و به قربانیان جرایم توجه چندانی نمی‌شد. در سال‌های اخیر توجه به قربانیان جرایم و ویژگی‌ها، فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی آن‌ها مورد توجه جرم شناسان قرار گرفته است (زدر، ۲۰۰۳). دیدگاه جدید بر این امر می‌پردازد که بررسی و شناخت ویژگی‌های قربانیان، به پیشگیری از جرم کمک شایان توجهی خواهد کرد، چرا که گاهی قربانیان آگاهانه یا ناآگاهانه شرایطی را ایجاد می‌کنند که زمینه قربانی شدن خویش را فراهم می‌نمایند. مندلسون با توجه به بررسی کنش‌های متقابل میان بزه دیده و بزه کار یک نوع سنخ شناسی از بزه دیدگان ارائه می‌دهد که عبارتند از:

۱) بزه دیده کاملاً بی‌گناه

۲) بزه دیده مساعد

۳) بزه دیده گله، فردی است که به دنبال کنشی بزه کارانه نسبت به دیگری، خود قربانی جرمی

شده است (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷: ۸۰).

بررسی عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران ۳۹

در این رویکرد به نقش و جایگاه قربانی و همچنین ویژگی‌ها و شرایطی که قربانی در بزه دیدگی خویش بوجود آورد، توجه شده و کنش و رفتار بزه دیده را در قربانی شدن خویش مهم تلقی می‌نماید. اگرچه نظریات مندلسون از جهاتی مورد نقد واقع شده است، اما به توفیریات وی و سایرین می‌توان عوامل بزه دیدگی افراد، خصوصاً زنان را برشمرد:

- رفتارهایی که خطر یا فرصت بزه دیدگی را افزایش می‌دهد، مانند رفتارهای نسنجیده و وسوسه برانگیز بزه دیده که حاکی از دعوت و یا ترغیب باشد.

- تسهیلاتی که خود بزه دیده آن را آگاهانه یا ناآگاهانه برای وقوع جرم فراهم می‌آورد.

- صدور علائمی از سوی بزه دیده، مانند حرکات، اشارات و حالات خاص بدنی یا قرار گرفتن او در موقعیت‌های خاص که نشانه آسیب‌پذیری او یا استعداد بزه دیده واقع شدن او در مقابل بزه کاران است. بی‌حفاظ بودن آماج بزه، هنگامی که هدفحفظ باشد، حمله خواه بر ضد اشخاص و خواه بر ضد اموال، برای بزه کار آسان تر است (بودون و بوریگاد به نقل از سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۲۴۸).

در این رویکرد بزه دیده صرفاً یک آماج منفعل جرم نیست تا بتوان او را طعمه در چنگال بزه کاران تصور کرد که نقشی دخیل ساختن زمینه وقوع آن رفتار ایفا نکرده است، بلکه علل جرم آن زمان مشخص خواهد شد که کنش متقابل بین مجرم و بزه دیده و نقشی که آن دو در بروز جرم بازی کنند، کاملاً تحلیل شود (عبدالفتاح به نقل از سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۲۵۰).

در این نظریه نوع رفتار بزه دیده، بهیلاحتظگی و شتاب زدگی، وسوسه انگیزی، ترغیب، مساعدت یا فراهم نمودن تسهیلات<sup>۱</sup> زمیلی برای وقوع بزه، به عنوان ابعاد اصلی نحوه‌ی نقش آفرینی بزه دیده در بزه دیدگی خویش مطرح شده است.

### رویکرد آسیب‌پذیری

در این رویکرد آسیب‌پذیری جنسی و جنسیتی که در بردارنده‌ی میزان آسیب‌پذیری فیزیولوژیکی و اجتماعی زنان، نسبت به مردان است، به عنوان زمینه مناسب بزه دیدگی شناخته شده است. برخی از محققین بر این عقیده‌اند که زنان در فرآیند جامعه‌پذیری در جامعه به گونه‌ای طبقه بندی شده‌اند که

<sup>۱</sup> رفتارهای تسهیل‌کننده بزه دیده رفتارهایی به حساب می‌آید که غالباً در قالب حالاتی مانند غفلت، بی‌دقتی، بی‌مبالاتی یا سهو صورت می‌پذیرد و نوعی عامل مساعد کننده برای وقوع کج روی محسوب می‌شود.

نسبت به جرم آسیب پذیری بیشتری پیدا می‌کنند. عدلی دیگر نیز آسیب پذیری بیشتر زنان را به سبب ترس از تجاوز و عدم توانایی و کنترل زنان برای مقابله و دفاع از خود در برابر این جرم بیان داشته‌اند (رنزتی و مایر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳: ۴۸).

زنان در واقع در فرآیند اجتماعی شدن درمی‌یابند، نسبت به مردان آسیب پذیرتر هستند و در طول جامعه پذیریشان از سوی خانواده و نهادهای آموزشی و پرورشی و هم چنین از طریق وسایل ارتباط جمعی مر تباً این مسئله بدان‌ها یادآوری می‌شود. بر این اساس هرچه افراد توانایی کمتری برای محافظت و کنترل خود داشته باشند، بیشتر نیز قربانی جرم می‌شوند. در این دیدگلیشافز سن عاملی مهم در افزایش بزه دیدگی به شمار می‌رود، چرا که سالخوردگان توانایی کمتری برای حفاظت از خود دارند. در این رویکرد توانایی مالی و تحصیلاتی، فاکتورهایی برای کاهش میزان بزه دیدگی و ترس محسوب می‌شوند، چرا که افراد متمول و تحصیل کرده راهایی بهتر و مناسب تر را برای محافظت از خود برمی‌گزینند و بدین جهت نیز از میزان بزه دیدگی آنان کاسته خواهد شد (اسکوگان<sup>۲</sup>، ۱۹۸۷: ۱۴۰).

قابل ذکر است که این نظریه حاوی تناقضاتی می‌باشد. برای مثال تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که اگرچه ترس افراد سالخورده نسبت به قربانی شدن بیشتر است، اما آن‌ها در عمل کمتر قربانی جرایم واقع می‌شوند. چون افراد سالخورده کمتر از سایر گروه‌ها در فضاهای عمومی حضور پیدا می‌کنند (مگ کوایر<sup>۳</sup> به نقل از زدنر<sup>۴</sup>؛ ۲۰۰۳).

### تئوری انتخاب عقلانی<sup>۵</sup> و زندگی روزمره

بر اساس نظریه کوهن و فلسون (۱۹۷۹) وقوع جرم نتیجه تقارب و هم‌وایی سه عامل می‌باشد که عبارتند از: ۱- مجرم با انگیزه<sup>۶</sup> -قربانی بالقوه و یا اهداف مساعد<sup>۷</sup> و ۳- عدم نظارت ناظران (کوهن و فلسون به نقل از سلیمی و داوری، ۱۳۸۵). این نظریه به این مسئله می‌پردازد که جرم و کجروی در

1. Renzetti and Maier

2. Skogan

3. Maguire

4. Zedner

5. Rational choice

6. Motivated offender-

7. Suitable victim

بررسی عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران ۴۱

زندگی روزمره ما جای دارد، اما آنچه که توجه بیشتر را میطلبد آن است که چه موقع جرم اتفاق می‌افتد و چگونه در زندگی روزمره ما جای می‌گیرد. از این منظر، زمانی جرمی به وقوع می‌پیوندد که شرایط ذکر شده برای بزه کاران مهیا باشد و مجرمان با محاسبه و سنجش سود و زیان خود و هزینه‌های مادی و معنوی که انجام جرم به‌خود می‌دهد، اقدام به بزه کاری نمایند. این رویکرد نشان می‌دهد تصمیمات مجرمان برای انجام جرم همواره با نوعی حسابگری و انتخاب عقلانی صورت می‌پذیرد.

کوهن و فلسون بر این عقیده هستند، همان متغیرهایی که فرصت برخورداری از مزایای زندگی را افزایش می‌دهد، فرصت وقوع خشونت و تعدی را هم فزونی می‌بخشد. فعالیت‌هایی مانند حضور در کلاس درس دانشگاه، مشارکت زنان در عرصه کار، شهرنشینی، سکونت در حومه شهر، استفاده از ابزارهای جدید الکترونیک نیز به همان شکل که زمینه فرار از مسئولیت‌ها و هزینه‌های ناشینی را فراهم می‌سازد، خطر بزه دیدگی را هم افزایش می‌دهد. فلسون به نقل از سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: (۲۵۷).

در این رهیافت شیوه زندگی بزه دیدگان نظیر: نشینی و مجاورت آنان با بزه کاران یا حضور در مکان یا زمان نامناسب و فاقد امنیت و نظم، همچنین نوع و نحوه فعالیت‌های روزمره آنان مانند جالب توجه بودن، در دسترس بودن، نوع شغل، پوشش و نحوه رفتار آنان در نهایت می‌تواند زمینه و «فرصت» ارتکاب جرم را برای بزه کاران فراهم نماید.

### عدم ادغام اجتماعی<sup>۱</sup> و بزه دیدگی

عدم ادغام اجتماعی، بنا بر تعریف گیدنز، شرایطی است که جامعه بر اثر مجموعه‌ای از محرومیت‌ها و ناکامی‌ها، برای فرد یا گروه‌های خاصی در جامعه فراهم می‌کند که مانع فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها می‌شود (گیدنز، ۲۰۰۱: ۶۹۹).

عدم ادغام اجتماعی یک فرایند پیچیده و چند بعدی است که با نبود و یا کمبود قوانین حمایتی، خدمات و ارتباطات، شرکت در فعالیت‌های اقتصادی، مشارکت‌های مدنی، فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و

---

1. Social Exclusion

اجتماعی همراه می‌باشد. عدم ادغام اجتماع‌توانی ناشی از عدم تحصیلات یا عدم حق برابر استفاده از آموزش و پرورش، استفاده از امکانات عمومی (نظیر مراکز فرهنگی، هنری، ورزشی) عدم بکارگیری تکنولوژی و همچنین نداشتن فرصت‌ها و امکانات برابر برای احراز مشاغل مهم و مناسب و شرکت در فعالیتهای اقتصادی باشد که از سوی جامعه بر فرد یا گروهی خاص اعمال می‌گردد. اما این عدم ادغام اجتماعی می‌تواند نتیجه عملکرد افراد و نتیجه نحوه شرکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی نیز باشد؛ بدین صورت که فرد با عدم استفاده از امکانات عمومی یا عدم استفاده از حق تحصیل، آموزش و پرورش و عدم شرکت فعال در امور اجتماعی و اقتصادی نظیر انزوای اجتماعی و عدم سلامتی جسمی و ذهنی بدان گرفتار شود.

طرد شدن، حاشیه نشینی و یا بدنامی برخی گروه‌ها سبب‌شود که آنان بیش از سایر گروه‌های هم‌نوا در جامعه، خود را در معرض بزه دیدگی قرار دهند و یا تسهیلات و فرصت بزه دیدگی‌شان را خواسته یا ناخواسته برای بزه کاران فراهم نمایند. بر اساس این رویکرد زنان به علت عدم ادغام اجتماعی و طردهای انانیتی کمتر مورد حمایت و توجه بوده، در نتیجه قربانیان کم‌هزینه‌ای محسوب شده و در نتیجه احتمال بزه دیدگی‌شان افزایش می‌یابد. هرکدام از نظریات مطرح شده بر متغیرهای مختلف مؤثر بر بزه دیدگی در میان زنان تأکید دارند و جنبه‌ای از عوامل مؤثر بر آن را مورد توجه قرار داده‌اند و در مجموع مؤید پیچیدگی و چند بعدی بودن علل بزه دیدگی زنان می‌باشند. از این رو به نظر می‌رسد، دست یافتن به یک نظریه جامع و کامل، اگرچه امری غیرممکن نباشد، ولی بسیار دشوار است. نویسندگان ضمن بررسی این نظریات به عنوان پیشینه تحقیق و توجه بر نقاط ضعف و قوت آن‌ها درصددند تا با انجام یک تحقیق کیفی عوامل مؤثر بر بزه دیدگی را در میان زنان تهرانی به دست آورند.

## روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه، روش تحقیق کیفی است. تحقیق کیفی انجام عملی تحقیق در دنیای واقعی است و بسیار ظریف و معیقل را مورد شناسایی قرار می‌دهد. استفاده از این روش می‌تواند پیچیدگی مسئله‌های اجتماعی را شناسایی کرد (مارشال و راسمن، ۱۳۷۷: ۲۱۸). روش تحقیق کیفی، بیش از آنکه تعمیمی باشد، انعکاس پهن‌فاهیم ناشناخته است و در اکتشاف مسائل و نکات جدید



بررسی عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران ۴۳

در رابطه با موضوعات مختلف و حوزه هایی که کمتر بدان توجه شده و کمتر بسط داده شده است، کاربرد دارد.

در تحقیق کیفی محقق ضمن توجه به دیدگاه‌های افراد مورد تحقیق می‌کوشد تا از دیدگاه‌های آن‌ها آگاه گردد. در این روش پژوهش‌گر و افراد مورد تحقیق با هم رابطه متقابل برقرار می‌کنند و سرانجام این که برای جمع‌آوری داده‌های اصلی به گفتگو و وقوفاتل مشاهده افراد تکیه می‌کنند. اما در تحقیقات کمی فرآیندهای اجتماعی و ذهنی معمولاً پنهان و کشف نشده باقی می‌مانند و این همان چیزی است که تحقیقات کیفی قصد آشکار کردن آن را دارند، یعنی نکات ناگفته ذهنی افراد که معمولاً در قالب پرسشنامه‌های ساخت‌مندبا پاسخی بسته قابل دسترس‌باشند در این دسته تحقیقات بدست خواهد آمد (کاسکلا، ۱۹۹۹: ۱۱۴).

استفاده از روش کیفی در رابطه با بررسی علل بزه دیدگی زنان کمک می‌کند تا چند وجهی و چند بعدی بودن مسئله و نیز پویایی آن مشخص گردد و عواطف مربوط به جزئیات و ویژگی‌های افراد بدست آید؛ هپلری کفره‌کیس کلاه‌ویژگی‌صل زندگی اجتماعی اوست، در شرایطی متفاوت از سایرین به سوالات پاسخ می‌گوید، بدین جهت امکان درک موقعیت‌های افراد را فراهم می‌نماید.

### جامعه مورد مطالعه

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش زنان شهر تهران است که محدوده سنی آن‌ها بین ۱۹ تا ۶۰ سال می‌باشند. انتخاب این گروه سنی با این فرض صورت پذیرفته که معمولاً این گروه بیشتر از سایر های‌گرونی در فضای شهری تردد داشته و احتمال بزه دیدگی آن‌ها نسبت به سایر گروه‌های سنی زنان بیشتر است.

### حجم نمونه

معمولاً نمونه مورد مطالعه در تحقیقات کیفی گام‌الاً مشخص و از پیش تعیین شده نمی‌باشد و حجم نمونه به شدت با سطح اشباع پذیری ارتباط به‌ر هر حگایل نمی‌مونی تحقیق با توجه به هایی چوبش‌گروضعیت تأهل، سطح تحصیلات، شاغل بودن، خانه‌دار بودن، محل و منطقه زندگی

1. Koskela

صورت گرفته است. این راستا درجه‌ی از انعطاف پذیری نیز لحاظ می‌گردد، زیرا ممکن است بعد از شروع کار، متغیرهای دیگری نیز به لحاظ اهمیت، وارد تحقیق گردند. این تحقیق بر اساس مصاحبه‌های عمیق با ۱۵۰ نفر در مناطق مختلف تهران صورت پذیرفته است. این افراد به طور تصادفی در مکان‌های عمومی انتخاب شده‌اند و هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامیده است.

### خصوصیات و ویژگی‌های نمونه

زنان مصاحبه شده به لحاظ سنی در گروه ۱۹ تا ۶۰ سال قرار دارند. ۳۹ نفر از آنان متأهل، ۲۳ نفر مجرد، یک نفر مطلقو و دو نفر بیوه بوده‌اند. به لحاظ تحصیلات ۱۴ نفر زیردیپلم و ۱۹ نفر دیپلم، ۲ نفر فوق دیپلم، ۲ نفر لیسانس و ۹ نفر فوق لیسانس و بالاتر داشته‌اند. از این گروه ۲۷ نفر شاغل، ۳۱ نفر خانه‌دار و ۷ نفر دانشجو بوده‌اند و از میان شاغلفین، ۵ نفر بخش دولتی و بقیه در بخش خصوصی<sup>۱</sup> مشغول به کار بوده‌اند. ۱۴ نفر از زنان مصاحبه شده به علل ناتوانی‌های فیزیکی در گروه معلولین قرار گرفتند و ۹ نفر از زنان مصاحبه شده نیز جزء اقلیت‌های دینی محسوب می‌شدند. ۵۷ نفر از زنان فاقد وسیله نقلیه بوده و برای تردد از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده می‌کردند. به لحاظ سطح درآمد سه نفر دارای حقوق ۶۰۰ هزار تومان به بالا و بقیه زیر این رقم درآمد داشتند. ۴۶ نفر از زنان بومی تهران و ۱۹ نفر کسانی بودند که در چند سال اخیر به تهران مهاجرت کرده‌اند. مصاحبه شدگان از مناطق مختلف تهران انتخاب شده‌اند.

### نحوه گردآوری داده‌ها

اطلاعات لازم برای این تحقیق، عمدتاً از طریق گفتگوی همدلانه بدست آمده است و مصاحبه‌ها به صورت نیم ساخت یافته، با این هدف صورت گرفته که تجربیات زنان از زبان خودشان درک شود. در این نوع مصاحبه علی‌رغم این که سؤالات پیرامون مسائل مورد نظر تحقیق برنامه‌ریزی می‌شود، اما دارای انعطاف پذیری خاصی هستند و معمولاً مصاحبه‌ها با سؤالات کلی آغاز شده و بعد به سؤالات مشخص در مورد بزه دیدگی زنان، عوامل مؤثر بر آن و همچنین تجربه بزه دیدگی آنان ربط

<sup>۱</sup> مشاغل خصوصی شامل کار در شرکت‌های خصوصی، تولیدی، خیاطی، آرایشگری، منشی‌گری و رانندگی تاکسی می‌باشد.

بررسی عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران ۴۵

داده شده اهلینل اکتشافی بودن تحقیق، محققین فرضیه خاصی را دنبال نکردند، بلکه بیشتر به دنبال آشکار سازی علل بزه دیدگی زنان بنا بر روایت خود آن‌ها بوده‌اند.

### سؤالات تحقیق

با توجه به اینکه تحقیق حاضر یک تحقیق کیفی است و جنبه اکتشافی دارد، نظریات موجود و یا فرضیات خاصی که مستخرج از تئوری‌های موجود باشد و مشتمل بر روابط معینی باشد، اساس کار قرار نگرفته است، بلکه تحقیق با سؤالات مشخصی پیرامون مسئله بزه دیدگی، عوامل مؤثر بر آن، شناخت قربانیان جرایم و اثرات و تبعات بزه دیدگی بر زندگی زنان صورت پذیرفته است. هدف از این کار درک تجربه و تصور زنان نسبت به موضوع بزه دیدگی و علل آن بر اساس روایت خودشان می‌باشد. اگرچه نویسندگان با توجه به ادبیات نظری موضوع دارای طرح نظری بودند، اما به هیچ وجه قصد تحمیل آن را بر پاسخ‌گویان نداشته‌اند و کلیه اطلاعات بدست آمده و یا روابط شناسایی شده بین متغیرها، جنبه اکتشافی دارد. در مرحله تحلیل داده‌ها، ادبیات نظری موجود به عنوان چهارچوب ارجاعی مورد ملاحظه قرار گرفته‌اند و هدف از طرح آن‌ها در این مقاله به همین دلیل است.

### اهداف تحقیق

هدف کلی این پژوهش بررسی، توصیف، تفسیر و درک زنان نسبت به علل بزه دیدگی و قربانی شدن زنان در فضاهای شهری می‌باشد. مطالعه عمیق با این نیت صورت پذیرفته تا به اهداف زیر دست یابد:

- درک تجربیات زنان از بزه دیدگی در فضاهای شهری.
- شناخت قربانیان جرایم از نظر پاسخ‌گویان.
- بررسی علل بزه دیدگی زنان بر اساس روایت خودشان.
- شناخت جرایم دارای بیشترین قربانی از نظر پاسخ‌گویان.
- بررسی تبعات و اثرات بزه دیدگی بر زندگی زنان.
- بررسی میزان احساس امنیت از نظر پاسخ‌گویان.
- شناخت راهکار زنان برای پیشگیری از بزه دیدگی.

### محدودیت‌های تحقیق

با توجه به ماهیت کیفی تحقیق و تعداد همکاران محدود، محققان به هیچ وجه در صدد تعمیم یافته‌ها به جامعه بزرگ‌تر نمی‌باشند. بی‌تردید تحقیقات کیفی از این نظر که اکتشافی می‌باشند، می‌توانند فرضیات غنی را تولید نمایند که اساس کارهای بزرگ‌تری قرار گیرد. نتایج این تحقیق از این جهت که تجربه زنان را به تصویر می‌کشد، قابل توجه و تأمل است. در این تحقیق سعی محققین بر آن بوده است تا دریابند زناحی عواملی را در بزه دیدگی زنان مؤثر دانسته، نحوه پیشگیری و کاهش بزه دیدگی زنان به روایت آن‌ها چیست و تأثیر جرم بر زندگی روزمره آن‌ها به چه صورت می‌باشد؟

### یافته‌های تحقیق

در تحقیقات کیفی رابطه متقابلی میان جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها وجود دارد. مطالب ارائه شده در این بخش نتیجه تجزیه و تحلیل‌هاست و کیفی با زنان تهرانی است و سعی شده مطالب مطرح‌شده بر بزه دیدگی زنان و عوامل مؤثر بر آن از زبان خود زنان بیان شود. شرایط و موقعیت‌های زنان در مواجهه با جامعه و تعامل با اعضای آن، ممکن است برای آنان تجربه‌ی زیسته‌ی متفاوت با آنچه که مردان در طول زندگی اجتماعی خویش درمی‌یابند، ترسیم نماید. تفاسیر زنان از زندگی روزمره، چگونگی تطابق با آن و تهدیدات و خطرات حاصل از زندگی اجتماعی، همگی با توجه به منحصر به فرد بودن برای هر فرد ممکن است دارای اشتراکات و تشابهات فراوانی باشد که از زندگی در جامعه یکسان منبعث گردیده و در سایه موقعیتهای و شرایط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مشابه ایجاد شده باشد. این اساس تجربه زیسته‌ی زنان به عنوان منبعی بکر و ویژه برای بررسی مسئله بزه دیدگی و علل آن انتخاب گردید و برای اکتشاف و درک علل بزه دیدگی، مسئله از منظر زنان اقشار مختلف جامعه و با تحصیلات، سن، طبقه اجتماعی و موقعیت‌های گوناگون مورد ارزیابی و کنکاش قرار گرفت. نتایج بررسی و تجزیه و تحلیل‌ها عمیق کیفی در این تحقیق نشان می‌دهد که بیش از ۸۰ درصد پاسخ‌گویان، تهران را شهری ناامن می‌دانند و بر این باورند که زنان بیش از ۶۰ درصد از قربانیان جرایم را تشکیل می‌دهند. آنچه این باور با واقعیت موجود کاملاً منطبق نمی‌باشد و معمولاً مردان جوان بیشتر از سایر گروه‌های اجتماعی در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند و ولی تحقیقات مختلف نشان

بررسی عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران ۴۷

می‌دهد که زنان و افراد مسن بیشتر از سایر گروهها از جرم می‌ترسند و خود را بسیار آسیب پذیر می‌دانند (استانکو<sup>۱</sup> به نقل از اسکات<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۲).

در نهایت وجود چنین تصویری می‌تواند بر سبک زندگی روزمره زنان و محدودسازی آنها در فضاهای اجتماعی مؤثر واقع شود. حال زنان مصاحبه شونده بر این باورند که بیشتر آنان قربانیان جرایم جنسی و جرایم مالی نظیر کیف قاپی، زورگیری و آدم ربایی می‌باشند. مطابق نتایج این تحقیق حدود ۵۰ درصد زنان مصاحبه شونده تجربه سرقت اموال (نوع مختلف آن نظیر کیف قاپی، زورگیری، دزدی خانگی دو، بیک سال گذشته در مورد خود یا یکی از دوستان و آشنایان خویش به یاد دارند که این تجربه در مورد آزار و اذیت خیابانی به ۷۵ درصد زنان مصاحبه شونده افزایش می‌یابد. هم چنین در این تحقیق آشکار شد با آنکه کمتر از ۲ درصد پاسخ‌گویان تجربه تجاوز به خود یا یکی از دوستان و آشنایان شان را دارند، با این حال تقریباً تمامی آنان نسبت به این جرم ترس بیشتری را ابراز داشته و بیان می‌دارند که میزان بزه دیدگی زنان در تجاوز جنسی بیش از سایر جرایم می‌باشد. دسته‌بندی و اولویت بخشی به پرقربانی‌ترین جرایم شهری، تعیین کننده علل بزه دیدگی از نظر زنان می‌باشد. بر این اساس چهار جرم اصلی از نظر پاسخ‌گویان، در سطح شهر تهران شامل: تجاوز به عنف، دزدی، قتل، آدم ربایی و کودک ربایی می‌باشند.

در مجموع یافته حاصل از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد آنان عواملی چون بی‌احتیاطی زنان، نوع فعالیت‌های روزمره، نوع رفتار و پوشش، خشونت در حوزه خصوصی و عمومی، نابسامانی خانوادگی و ضعف در جامعه پذیری ناکارآمدی و نبود قوانین حمایتی و اجتماعی، عدم آموزش روشهای دفاع از خود، در هم ریختگی فضای شهری، وجود مکان‌های جرم خیز و مخفی نظیر زیرگذرها و معابر تاریک، توجه نابسامانی اقتصادی نظیر بیکاری و فقر را در کنار ویژگی‌های زیستی و فیزیولوژیکی، از جمله مهم‌ترین دلایل بزه دیدگی زنان به حساب می‌آورند که در ذیل به تفصیل توضیح داده خواهد شد. همچنین این تحقیق نشان می‌دهد زنان برای رهایی و کاهش بزه، دین‌گهی و اتساع فرخوشی و ساختاری متفاوتی را بر اساس مواجهه با موقعیت‌ها و شرایط گوناگون پرمنی‌نگارند سعی شده است تا جلافتلی از این تحقیق به صورت

---

1. Stanko

2. Scott

طبقه‌بندی شده ارائه گردید. از ورود به تحلیل داده‌ها ذکر این نکته ضروری است که کلیه یافته‌ها جنبه اکتشافی و فرضیاتی دارد و به هیچ وجه قابل تعمیم نباشد، اگرچه بعضاً با چهارچوب‌های نظری موجود مطابقت می‌نماید.

### عوامل جمعیت‌شناختی و بزه‌دیدگی

بر اساس رویکرد آسیب‌پذیری، شرایط فیزیکی افراد در کنار شرایط اجتماعی دیگر نظیر سن، تحصیلات و طبقه اجتماعی در آسیب‌پذیری افراد مؤثر است و تولید آنان را به اهداف سهل‌الوصول بزه‌کاران تبدیل‌نمایان اعضای جامعه این تصور وجود دارد که مردان جنس برتر و قوی‌ترند و زنان موجوداتی ضعیف می‌باشند که همواره نظارت، حمایت و کنترل مردان می‌باشند. استیلای مردانه همواره بر شواهد بیولوژیک تأکید می‌کند، تا برتری خود را به کرسی بنشانند و فروتری زنان را مشروعیت بخشند. نیز بعضاً تحت تأثیر ایدئولوژی غالب که عمدتاً ملهم از گزاره‌های بیولوژیک و هژمونی مردانه می‌باشند، به این باور رسیده‌اند که توانایی آن‌ها قابل قیاس با توانایی مردان نیست. در حدود ۳۰ درصد پاسخ‌گویان بر این امر اصرار می‌ورزند که ویژگی ذاتی و بیولوژیکی زنانه و ضعف قوای جسمانی آنان در مقایسه با مردان، عاملی مهم در بزه‌دیدگی آنان است. نظر این عده از گویان، زنان چون پهلوانی مقابل با مردان را ندارند، به همین سبب ممکن است به عنوان قربانیان سهل‌الوصول در چنگال مردان خلاف کار گرفتار آیند. کما اینکه یکی از پاسخ‌گویان به نام مریم ۳۳ ساله، متأهل، دیپلمه و خانه‌دار می‌گوید: «موقع غروب و شب باید در خانه باشند، چرا که در شب امکان دزدیده شدنشان بیشتر است. زنان در جامعه ضعیف هستند (به لحاظ نیروی بدنی) و امکان دارد به آن‌ها تجاوز شود. این چرم (مورد تجاوز قرار گرفتن) در مردان کمتر است، چون از پس هم جنس‌های خود برمی‌آیند».

بر این اساس هرچه توانایی فیزیکی و آگاهی زنان کاهش یابد، میزان بزه‌دیدگی آنان نیز افزایش می‌یابد. به همین جهت گروه جوان و سالخورده به دلیل آنکه ممکن است، توان فیزیکی و یا آگاهی کمتری از شرایط جامعه داشته باشند، در جرگه آسیب‌پذیران قرار می‌گیرند.

فاطمه ۵۰ ساله، دیپلمه و خانه‌دوم می‌گوید: «دختران کم سن و سال به علت عدم آگاهی و آشنایی با خطرات جامعه، ممکن است بیشتر از سایر زنان آسیب ببینند. آن‌ها به افراد اطمینان می‌کنند و ممکن است فریب آنان را بخورند».

بررسی عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران ۴۹

از طرفی بعضی زنان مصاحبه شونده نیز زنان سالخورده را قربانیان مساعد بزه کاران معرفی می‌کنند.

شمسی ۵۵ ساله، متأهل، و خانکارای تحصیلات زیر دیپلم می‌گوید: «افراد سالمند و پیر که توانایی مراقبت از خود را ندارند و معمولاً به تنهایی زندگی می‌کنند، بیش از سایرین آسیب می‌بینند و ممکن است اموالشان به راحتی سرقت شود».

البته نکته حائز اهمیت آن است که بنا بر دیدگاه گویلیس و دسته بندی آنان از جرایم اصلی در جامعه، سن افراد در نوع جرایمی که ممکن است قربانی آن شوند، نقش مهمی ایفا می‌کند، چنانچه در حدود ۸۰ درصد مصاحبه شندگان زنان کم سن و سال و جوان را قبیحان تجاوز جنسی و بیش از ۲۰ درصد آنان نیز زنان سالمند را بیشترین قربانیان سرقت و زورگیری بشمار می‌آورند.

در این بین بعضی شرایط ویژه زنان نظیر معلولیت و اقلیت قومی یا مذهبی بودن، با ایجاد تمایز میان زنان ممکن است احتمال قربانی شدن آنان را افزایش دهد. مصاحبه با چند زن اقلیت قومی و مذهبی نشان می‌دهد که در نظر آنها اقلیت بودن فی‌نفسه باعث افزایش احتمال بزه دیدگی یا ترس از آن نیست، بلکه «شناخته‌شده‌ان» اقلیت ممکن است زمینه ساز افزایش بزه دیدگی در میان زنان باشد.

یکی از پاسخ‌گویان زردتشتی می‌گوید: «مردان به مجرد این که می‌فهمند ما زردتشتی هستیم رفتارشان عوض می‌شود و کمالاتها که ما به اصول اخلاقی پایبند نیستیم و نگاه آنها و انتظاراتشان تغییر می‌کند».

همین طور نگاه زنان معلولی که دارای ضعف آشکار جسمی هستند، نیز در رابطه با احتمال بزه دیدگی شافان با نوالم کاملاً متفاوت است. مصاحبه انجام شده با چند زن معلول در این تحقیق نشان می‌دهد که زنان معلول احتمال بزه دیدگی و آزار جنسی را چندان محتمل ندانسته و خود را آماج مناسبی برای بزه کاران نمی‌دانند. زنان معلول بیشتر در مواجهه با فضای شهری به علت عدم ریزش‌های صحیح شهری و عدم توجه به نیازها و شرایط معلولین، از حادثه و سانحه می‌ترسند و اظهار نگرانی دارند و بعضی معتقدند «حافظ آزار جنسی با ما کاری ندارد» (میرحسینی، ۱۳۸۷: ۵۳).  
این موضوع در افراد معلول جسمی و ذهنی ممکن است کاملاً متفاوت باشد و نیازمند تحقیقات کاملی است که مجال آن در این پژوهش فراهم نیست.

## ویژگی ظاهری زنان و بزه دیدگی

از نظر ۶۶ درصد مصاحبه شوندگان ویژگی و جذابیت‌های ظاهری می‌تواند، نقش مهمی در بزه دیدگی زنان ایفا کند.

لیلا ۲۹ساله، دیپلمه و خانه‌دار می‌گواهد: «جامعه هستند که امنیت جامعه را به وجود می‌آورند. افراد وقتی از لحاظ حجاب و پوشش پایبند نباشند، امنیت هم از بین رفته، هرچه پوشش کمتر باشد، امنیت هم کمتر می‌شود. اگر خانها پایبند نباشند و آقایان هم تعصبی به خرج ندهند، امنیت کمتر می‌شود... زنانی که دزدیده می‌شوند، خودشان مقصودند، چون با پوشش نامناسب جلوی ماشین‌ها می‌ایستند و می‌خواهند سوار ماشین شوند. پوشیده باشم و رفتار مناسب در جامعه داشته باشم، امنیت من در جامعه حفظ می‌شود».

از این روی بسیاری از زنان برای مقابله و کاهش بزه دیدگی، به استفاده از راهکارها و استراتژی‌های فردی رو می‌آورند. معمولاً در قالب افزایش پوشش و مراقبت رفتاری و کرداری، اجرا و مشاهده می‌گردد.

آناهیتا ۴۰ ساله متأهل، دیپلمه و خانه‌دار می‌گوید: «در خیابان باید طوری بگردی که کسی مزاحمت نشود. اگر جوری بگردی که ناگهانشی، دیگران فکر می‌کنند که می‌توانند نسبت به تو تعرض داشته باشند. آدم هرچه مواظب خودش باشد، دیگران می‌گویند: به این فرد نباید کاری داشت».

## متغیرهای موقعیتی و بزه دیدگی

زمان و مکان، دو متغیر مهم در تجربه زیسته زنان است. آن‌ها در طول زندگی اجتماعی خویش دریافته‌اند که بعضی مکان‌ها، زهن‌ها با موقعیت برایشان هر اس‌آور بوده و احتمال بزه دیدگی‌شان را افزایش می‌دهد. این اساس آنان با توجه به موقعیت و شرایط ویژه فردی و اجتماعی خویش اقدام به برنامه‌ریزی روزانه برای عبور و مرور و انجام امور روزمره می‌کنند.

شب هنگام با توجه به تاریکی هوا و در پی آن کاهش حضور ناظران رسمی و غیررسمی، زمینه افول بزه دیدگی زنان فراهم می‌گردد. از این روی شب، متغیری مهم در زندگی اجتماعی زنان است. عده‌ی زیادی از زنان فطریاً از فویژگی و اجتماعی نظیر تحصیلات، طبقه اجتماعی و سن، از حضور در شهر در ساعات شب هراسانند.



بررسی عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران ۵۱

شیلا ۲۹ ساله، متأهل، دارای تحصیلات کارشناسی و خانه‌دار می‌گوید: «در بیشتر مواقع غروب از خانه خارج نمی‌شوم. چون می‌ترسم موقع تاریکی بیرون بروم. کوچیکه ما طولانی است. چند خانه در کوچکی ما می‌سازند که من از کارگرهای آنجا می‌ترسم. متلک می‌گویند و خیلی بد نگاه می‌کنند... چون شنیدم که کارگرها، دختران را به داخل خانه‌های مخروبه و یا نیمه‌کاره می‌کشند و به آن‌ها تجاوز کرده و یا آن‌ها را می‌کشند. زنان بیشتر قربانی تجاوزند، چون در مورد آن‌ها اتفاق می‌افتد و تجربی آن را دارند، ولی در مورد مردان این طور نیست و خیلی به ندرت شنیده‌ام که به مردی تجاوز شده باشد». نقاط مختلف شهر، بر اساس تفسیر و معنایی که زنان برای آن‌ها ارائه می‌دهند، هر یک می‌تواند منطقه ممنوعه و هراس‌انگیز تلقی شود، خلوتی یا ناشناختگی محلات شهری و همین طور شهرت محلات مختلف و نوع کاربری آن‌ها، مکان‌های مخروبه و تاریک که فاقد نظارت رسمی و یا غیر رسمی است؛ نظیر زیر پل‌ها، زیرگذرها، پارک‌ها و... از عواملی است که می‌تواند افزایش دهنده‌ی احتمال بزه دیدگی زنان باشد.

میترا ۳۸ ساله، متأهل، دارای تحصیلات کارشناسی و کارمند می‌گوید: «...از بازار تهران می‌ترسم. دوستم می‌گوید اگر اجناس را در نزدیکی منزل گران‌تر بخری، بهتر از آن است که برای خرید به بازار بروی. در بازار یا کیفیت را می‌زنند یا بجهت گم می‌شود».

### زنان قربانیان خشونت

زنان طیفی از رفتارهای بزه کارانه را تجربه می‌کنند که ممکن است آن‌ها را تجاوزکارانه قلمداد کنند، اما لزوماً مجرمانه به حساب نیایند. با این وجود، چنین تجربه‌هایی عمیقاً به زندگی آن‌ها شکل می‌دهد و برای آن‌ها واقعیت اجتماعی ای، متفاوت از واقعیت اجتماعی مردان خلق می‌کند (کاسکالا، ۱۹۹۷: ۳۰۱). نتایج تحقیق حاضر نشان‌دهنده‌ی تجربه و آزار جنسی زنان را به وحشت انداخته و زندگی آنان را به شیوه‌ی متفاوت و برای ماهشک‌پس از آن تحت تأثیر قرار می‌دهد و این امر ممکن است زمینه‌ساز افزایش احتمال بزه دیدگی و ترس در زندگی زنان شود. بر این اساس در حدود ۷۵ درصد زنان مصاحبه‌شونده تجربه یکی از انواع آزارهای خیابانی، نظیر متلک و یا دست‌درازی مردان، مزاحمت‌راندگی ننگ‌هایست و غیره را تجربه‌کننده‌ی طبیعی به نظر برسد که ی‌خشونت، ترس از خشونت به بار بیاورد، اما مهم است یادآوری کنیم که تعرض و آزار جنسی نیز

تأثیر مشابهی دارد. حتی تهاجم‌های جزئی می‌تواند با یادآوری آسیب‌پذیری و امکان قربانی شدن همراه باشد (استانکو، ۱۹۹۰: ۱۰۴).

یکی از مهم‌ترین جرایمی که زنان از آن‌ها می‌پرهیزند و احتمال قربانی شدن خود را در برابر آن بالا تصور می‌کنند، تجاوز به‌عنف‌الاستجواز، در میان زنان اقشار مختلف جامعه، با تحصیلات متفاوت، متأهل یا مجرد و با شرایط متفاوت به صورت مشترک وجود دارد. بیش از ۹۰ درصد زنان مصاحبه‌شونده فارغ از موقعیت و پایگاه اجتماعی که از آن برخوردار بودند، نسبت به تجاوز به‌عنف و آزارهای جنسی ابراز ترس می‌نمودند. بسیاری از این زنان با توجه به عواقب این مسئله بر زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی شان و همچنین نگاه جامعه و اعضای آن به زن تجاوز دیده، از این مسئله می‌ترسیدند. عدم پذیرش زن تجاوز دیده به عنوان قربانی و عدم حمایت‌های قانونی، اجتماعی و قضایی در افزایش ترس از بزه دیدگی زنان مؤثر است. به همین علت در حدود ۶۸ درصد از زنان اذعان داشتند که: « هنگام شب، از سوار شدن در اتوبوس شخصی مسافرکش و حضور در مکان‌های ناشناخته پرهیز می‌کنند»، چرا که ممکن است قربانی تجاوز جنسی شوند.

خشونت علیه زنان ممکن است در دو حوزه خصوصی و عمومی رخ دهد. بر اساس مصاحبه‌های انجام شده با زنان خشونت در فضای عمومی معمولاً در زمان تردد در فضای شهر رخ می‌دهد که شامل آزار و اذیت‌های خیابانی، دست‌درآوی متلاک‌ها و نگاه‌های زنجیده مردان، مزاحمت رانندگان و ماشین‌های مسافرکش یا تعقیب و تنه زدن به آن‌ها می‌باشد.

اعظم‌المتأهل، با تحصیلات زیرپلیم و کارگر می‌گوید: «معمولاً ساعت ۶/۵ تا ۷ بعد از ظهر از سر کار می‌آیم، مجبورم از اتوبوس استفاده کنم. آنقدر شلنمدکه توی ماشین زنه را اذیت می‌کنند، متلاک می‌گویند یا می‌دزدند که می‌ترسم با (مسافرکش) شخصی جایی بروم».

در مورد عوامل بزه‌دیدگی بکلیه بگویی از مشاغل، صاحبان آن مشاغل را بیشتر در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌دهند بر این اساس عده‌ای از پاسخ‌گویان بر این عقیده بودند که اشتغال زنان، به ویژه در مشاغل سطح پایین و کم درآمد و احراز مشاغلی نظیر رانندگی و یا منشی‌گری در شرکت‌های خصوصی که فاقد نظارت‌های رسمی می‌باشد، می‌تواند زمینه بزه‌دیدگی زنان را فراهم سازد.

شیرا ۲۹ ساله، دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و کارمند می‌گوید: «خیلی شنیدم که دختران جوانی که در شرکت‌های خصوصی به عنوان منشی استخدام می‌شوند، مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند....»

بررسی عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران ۵۳

در زندگی زنان، خشونت و خطر خشونت محدود به حوزه عمومی نیست. زنان در حوزه خانوادگی (خصوصی) نیز در معرض خشونت موهول<sup>۱</sup> لاد. بسیاری از جرایم خشن در درون خانواده علیه زنان رخ می‌دهد. لحاظ آماری، افرادی که بیشتر زمینه رعب و وحشت زنان را فراهم می‌سازند، نزدیک‌ترین افراد به زن‌ها هستند. (صادقی، ۱۳۸۸) برای مثال، پیمایش اخیر قربانیان جرم در فنلاند نشان می‌دهد که ۷۰ درصد تهدید و خشونت و ۸۵ درصد خشونتی که منجر به آسیب شده، از سوی یکی از آشنایان صورت گرفته است. (تیبی<sup>۱</sup> به نقل از کاسکالا، ۱۹۹۹) با این حال، تحقیقات نشان داده است که زنان، بیشتر، خود را از سوی مردان غریبه و نیز در حوزه عمومی در معرض خطر می‌بینند. (والنتین<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲) یکی از نکات مورد توجه در رابطه با خشونت خانگی آن است که این دسته خشونت عنوان امری خصوصی و شخصی تلقی شده و افراد خارجی به خود اجازه دخالت در خاتمه‌ی دعوا را نمی‌دهند. مهتاب ۲۶ ساله، متأهل و خانه‌دار: «... دعوی زن و شوهری خیلی شنیده‌ام هیچ وقت دخالت نکرده و به پلیس گزارش نداده‌ام. حتی بعضی مواقع می‌خواهم برای کمک بروم، شوهرم اجازه نمی‌دهد و آن را دخالت در زندگی خصوصی آنان می‌داند».

### نقش آفرینی زنان در بزه دیدگی

همان طور که بعضی از صاحب نظران بزه دیده شناسی، سهم و نیت قربانی و نوع کنش و تعاملات میان او و مجرم را مهم تلقی نموده و قربانیان را در رخداد بعضی از جرایم مقصر می‌دانند، نتایج این تحقیق نیز نشان می‌دهد که این تفکر در جامعه ما نیز وجود دارد. این اساس در بسیاری از موارد، قربانی تجاوز در معرض اتهام و برچسب در اجتماع قرار می‌گیرد. یعنی جایی اینکه فرد متجاوز، کانون توجه قرار گیرد، تمایل بر این است که دنبال دلیل و مدرکی بگردند، دال بر اینکه قربانی یعنی زن یا دختر چگونه با عملکرد خود، از قبیل نوع آرایش و پوشش و طرز راه رفتن یا صحبت کردن یا هنجارهای دیگری که داشته مثلا ساعت خروج از منزل یا خروج بدون نظارت فرد دیگری یا امثال آن، آگاهانه خود را در معرض چنین تجاوزی قرار داده و اگر چنین و چنان رفتار کرده بود، از این آسیب بری می‌بود. از این رو در حدود ۷۰ درصد از پاسخ‌گویان بیان می‌داشتند:

1. Tiby  
2. Valentine

اگر «مورد تجاوز قرار بگیری چه در بین اعضای خانواده و چه در نگاه سیستم پلیس و نظام قضایی و اجتماعی، شما مقصر قلمداد می‌شوی و گوهیند، حتماً خودت کاری کرده‌ای که دزدیده شدی و مورد تجاوز قرار گرفته‌ای».

ناگفته نماند که بعضی از زن‌ها خود تحت تاثیر این نوع نگرش می‌باشند. برای مثال:

مهناز ۳۲ ساله، متأهل، دارای تحصیلات کارشناسی‌ارشد و کارمند می‌گوید: «در رابطه با تجاوز جنسی، به نظرم بعضی زن‌ها خودشان تقصیر دارند. هر جایی می‌روند و با هر کسی ارتباط برقرار می‌کنند».

بتله این نگاه به اینجا ختم نشده و دامنه مقصر پنداشتن قربانی ممکن است به جرایم دیگر نیز کشیده شود. بلی مثال در سایر جرایم نیز با برشمردن بی‌دقتی، بی‌احتیاطی، سهل‌انگاری و عدم استفاده از شیوه‌های حفاظتی ممکن است، قربانی مورد سرزنش قرار گیرد.

کبری ۶۰ ساله، خالو و بی‌سواد: «... اگر از من دزدی شود، خودم مقصرم. معلوم است که اگر اموالت را در معرض دید غریبه‌ها قرار بدهی آن‌ها وسوسه می‌شوند. در مورد زنان هم همین طور است اگر از خود یا اموالشان محافظت نکنند، حتماً کسی پیدا می‌شود که به آنان آسیب برساند».

### نابسامانی خانوادگی، ضعف در جامعه‌پذیری و بزه‌دیدگی زنان

از اولین سال‌های تولد کودک، سعی می‌شود تا دختران و پسران بر اساس الگوهای رفتاری تعیین شده در جامعه پرورش یافته و تربیت شوند و والدین و نهادهای آموزشی و پرورشی به کودکان می‌آموزند و از آن‌ها می‌خواهند که مطابق با این الگوها رفتار گلگویی که بر اساس آن معمولاً زنان موجوداتی ضعیف، ظریف و شکننده هستند که همواره باید مراقب رفتار و کردار خود باشند، حال آنکه پسران قوی و شجاع بوده و توانایی و قدرت انجام امور مختلف را دارند (گیدنز، ۲۰۰۱: ۴۲۰-۴۳۰).

نصحت‌های ۴۵ ساله‌دین‌زنان بر این موضوع اذعان داشتند که هولوچه فرهنگی و اجتماعی با عدم تساوی با آن‌ها برخورد کرده و شیوه‌های نامناسب جامعه‌پذیری در خانواده و اجتماع آنان را افرادی مستعد بزه‌دیدگی پرورش می‌دهد.

سمانه ۲۶ ساله، مجرد، دانشجوی دوره کارشناسی می‌گوید: «زن‌ها در جامعه آسیب پذیرند، چون نه فرصت مساعد دارند و نه توانایی این را دارند که از حقوق خود دفاع کنند به خاطر گلهی جامعه شدیداً

بررسی عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران ۵۵

مردسالار است و این تقصیر خود زنان است که هم خود را ضعیف هلمند و هم این که پسران خود را مردان مردسالار آینده تربیت می کنند. آن قدر در جامعه به مردها در قبال زنان حق می دهند که آن ها را بیش از پیش «پرو» کردوالی در رابطه با زنان فرگندمی بعضی مردان به راحتی به زنان متلک می گویند و در بعضی موارد نیز عده ای از افراد جامعه این امر را طبیعی و اقتضای سنین جوانی مردان تلقی می نماید، اما اگر همین عمل از خانمی سر بزند، اکثریت جامعه نگاه بسیار بدی به او دارند و بر علیه او جبهه می گیرند.»

بر این اساس بیش از ۳۰ درصد پاسخ گویان روش های غلط تربیتی خانواده را عاملی در جهت افزایش بزه دیدگی و روش های صحیح تربیتی را راهکاری برای کاهش قربانی شدن زنان قلمداد کرده اند. از طرفی پاسخ گویان وجود نابسامانهای خانوادگی، نظیر اعتیاد والدین، طلاق و رفتارهای خشن بر علیه زنان و دختران را عوامل مؤثر بر آسیب دیدگی زنان می دانند.

مهری ۶۰ ساله، معلم بازنشسته، دارای تحصیلات فوق دیپلم می گوید: «عدم تربیت صحیح خانوادگی، دلیل اصلی آسیب پذیری بعضی زنان و دختران است. اگر خانواده به فرزندان خود روش زندگی کردن را بیاموزد، اگر به آن ها هلالی حفاظت از خود و پرهیز از ارتباط با افراد غریبه را یاد داده و خطراتی را که در خیابان آن ها را تهدید می کند، گوشزد کند، آنان آگاه تر می شوند و کمتر آسیب می بینند. بعضی خانواده ها با تربیت غلط، فرزندان خود را خلاف کار یا آسیب پذیر و ضعیف پرورش می دهند. خانواده هایی که پدر معتاد دارند یا پدر و مادر از هم جدا شده اند و نظارت و کنترلی بر رفتار فرزندان ندارند، ممکن است بیش از سایر خانواده ها آسیب پذیر باشند.»

از طرفی عده ای دیگر از پاسخ گویان بر این عقیده اند، که وجود نابسامانی های خانوادگی در سایه نابسامانی های اجتماعی نظیر فقر و بیکاری می تواند تشدید کننده موقعیت آسیب پذیر زنان باشد. سوره ۴۰ ساله خانلار و دیپلمه می گوید: «بعضی افراد به علت فقر مالی و فرودستی ممکن است قربانی جرم شوند. بعضی از زنان برای تأمین زندگی و معیشت خود و یا فرزندان شان دست به هر کاری می زنند که ممکن است برای آنان خطرات زیادی داشته باشد.»

### دستگاه امنیتی - قضایی و بزه دیدگی

توجه دستگاه قضا به بزه دیدگان و حمایتهای کیفری از بزه دیدگان علاوه بر آن که مانع صدمات و لطمات روحی و عاطفی بر قربانیان جرایم می شود، می تواند از رخداد بزه دیدگی ثانویه جلوگیری نماید و در امر پیشگیری از جرم مؤثر واقع شود. تدوین قوانین کارآمد و لازم الاجرا باعث می شود تا قربانیان

سهل الوصول کچھ سطح جامعہ وجود داشته و بزه کاران، قربانیان مساعد خویش را از دست داده سیستم قضایی ایننو، نیروی انتظامی باید پیش از پیش با مردم مأنوس بوده و در خدمت آنان قرار گیرد، به گونہی کہ موجبات اعتماد بزه دیدگان رامستقیم و غیر مستقیم (خانوادہ قربانیان جرایم) فراهم نماید.

سحر ۲۹ سالہ، فوق لیسانس و کارمقدم «توجہ نیروی انتظامی و دستگاہ قضایی بہ کسانی کہ قربانی جرایم می‌شوند، این ذہنیت را برای مجرمین ایجاد کردہ کہ ممکن است ہیچ وقت بہ چنگ قانون نیافتند. از طرف دیگر قربانیان نیز با توجہ بہ اینکہ مراحل پیگیری مجرمین سخت و وقت گیر است، معمولاً از شکایت خود صرف نظر می‌نمایند کہ این مسئلہ در زنان بیشتر می‌باشد، چرا کہ در بسیاری از خانوادہ‌ها رسیدن پای زن بہ کلانتری را بسیار بد می‌دانند و در بسیاری از موارد بہ ویژہ در جرایم ناموسی ممکن است زنان را مقصر اصلی وقوع جرم بدانند. بنابراین بہ اصطلاح برای حفظ آبرویشان از شکایت و ارائه گزارش بہ پلیس منصرف می‌شوند».

پلیس بہ عنوان مجری قانون و حافظ امنیت، نقش مهمی در ایجاد تجربیات اولیه بزه‌دیدگان ایفا می‌کند. حمایہای پلیسی و قضایی از بزه دیدگان تاثیر بسزایی در بہ وجود آمدن اعتماد بہ پلیس دارد. بر این اساس ہرچہ نگاہ افراد بہ پلیس و عملکرد نیروہای انتظامی مثبت تر باشد، تمایل افراد برای ہمکاری با پلیس و گزارش بزه دیدگی نیز بیشتر خواهد شد ہمچنین جایگاہ مثبت و کارای پلیس در نگاہ مردم موجبات آرامش و احساس امنیت در میان مردم را فراهم خواهد نمود.

### اثرات بزه دیدگی بر کیفیت زندگی

یکی از مهم‌ترین اثرات تجربہ بزه دیدگی بر زندگی زنان، افزایش ترس از جرم و بزه دیدگی مجدد است. بزه دیدگی، ترکیبی از احساس ناامنی و ترس از جرم را بر تجربہ و درک قربانیان جرایم باقی می‌گذارد کہ می‌تواند اثرات مستقیمی بر کیفیت زندگی افراد داشته باشد (کریستن<sup>۱</sup> و رگرسن<sup>۲</sup>؛ ۲۰۰۴) و این نگرانی می‌تواند باعث خانہ نشین شدن افراد، ایجاد اثرات ذہنی و روانی نظیر: انزوا، افسردگی، احساس ناتوانی و در نہایت عدم سلامت جسمی و روانی شود. ہمچنین ترس از جرم می‌تواند باعث

1. Cris Christmann

2. Michelle Rogerson

بررسی عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران ۵۷

افزایش جرمیت و محدودیت اجتماعی شده و فرد را از دسترسی به امکانات عمومی و حضور در جامعه محروم نماید.

البته لازم به ذکر است که اثرات بزه دیدگی بی هوپانیمان به یک صورت نبوده و با توجه به شرایط و موقعیتهای فردی و اجتماعی قربانی و نوع برخورد سیستمهای حقوقی و حمایتی و نوع جرمی که علیه قربانی رخ می‌دهد، متفاوت است و پیامدهای گوناگونی بر زندگی مادی و معنوی افراد باقی می‌گذارد. (مظفری، ۲۰۱۳) افزون بر جرم وارده به صورت مختلفی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. تجاوز جنسی ممکن است علاوه بر ایجاد صدمات جسمی، باعث صدمات روحی و روانی در سالهای آتی زندگی زنان شده، بدبینی، ترس و وحشت از مردان را در ذهن زنان ماندگار نماید. همچنین جرایم مالی و زورگیری نیز ممکن است علاوه بر ایجاد صدمات مادی سبب شود تا افراد همواره در هاله‌ای از ترس و اضطراب زندگی نمایند.

اثرات جرم بر قوانین ثانویه یا غیرمستقیم نیز می‌تواند به شدت عمیق و دردآور باشد. قربانیان غیرمستقیم کسانی هستند که گرچه قربانی اصلی ماجرا نیستند، ولی از ضربه روانی عمیقی رنج می‌برند. (زدر، ۲۰۰۳) برای مثال می‌توان به زن خانواده تجاوز و یا خانوارده مقتول که دچار داغ‌دیدگی شده‌اند، اشاره نمود. در پاره‌ای از موارد ممکن است اثرات بزه‌دیدگی غیرمستقیم باعث بدبینی و افزایش ترس از جرم شده و محدودیت‌هایی را در زندگی فردی و اجتماعی خانواده قربانی در پی داشته باشد.

فرخنده، ۴۸ ساله، دیپلمه و خانه‌دار می‌گوید: «از وقتی پسر کوچکم به قتل رسیده، مثل مارگزیده‌ها ام، به همه کس و همه چیز بدبینم، همه افرادی که در خیابان بینم به چشم قاتل نگاه می‌کنم. فکر نکنی که برای خودم می‌ترسم، نه برای تنها پسرم که برایم مانده می‌ترسم، می‌ترسم یکی او را هم مثل برادرش از من بگیرند. تمام کارهای دادگاه را با وجود ناتوانی خودم انجام می‌دادم. اجازه نمی‌دهم که پسرم به این جور جاها رفت و آمد کند».

### راهکارها و پیشنهادات زنان برای کاهش بزه دیدگی

در مجموع زنان سه دسته راهکار فردی، ساختاری و موقعیتی را برای کاهش بزه دیدگی و احتمال قربانی شدن خویش پیشنهاد نمودند که این راهکارها معمولاً در قالب‌های اجتماعی قابل تبیین است.

برای مثال راهکارهای فردی به لحاظ سهل الوصول بودن برای زنان ارجح است. حال آنکه کاربرد سایر روش‌ها احتیاج به حمایه‌های قانونی و اجتماعی و همچنین برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان اجتماعی دارد. بر این اساس، زنان مصاحبه شونده کنترل رفتار، حفظ حجاب و داشتن پوشش مناسب، کنترل ارتباطات اجتماعی با افراد ناشناس، استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی، به کارگیری روش‌ها و ابزار حفاظتی نظیر: بکارگیری دزدگیر برای خانه و اتومبیل و حمل اسپری و... را به عنوان مهم‌ترین روش‌های کاهش خطر بزه دیدگی بیان کردند.

در مجموع با توجه به تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، روش‌های زیر به عنوان راهکارهای زنان برای کاهش بزه دیدگی مورد توجه قرار گرفت که به صورت دسته بندی شده در ذیل ارائه می‌گردد:

### تغییرات محیطی

- افزایش و شنایی معابر و افزایش نور خیابان‌ها، معابر شهری، زیرگذرها و پلها در شب به منظور افزایش نظارت.

تعریف فضاهای شهری و از بین بردن فضاهای مخفی و فاقد کارکرد نظیر ساختمان‌های مخروبه و نیمه کاره. به عنوان مثال از طریق محصور نمودن این فضاها یا تبدیل آن به فضای سبز.

- سامان بخشیدن به وضعیت مسافرکشیهای شخصی و آرم‌دار نمودن آن‌ها و افزایش تاکسی‌ها به ویژه در ساعات پایانی روز.

- افزایش وسایل حمل و نقل عمومی، به ویژه برای بانوان و توجه بیشتر به نیازها و خواسته‌های زنان در استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی کافی و ایمن.

### تغییرات اجتماعی

- آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی در جهت جامعه‌پذیر نمودن صحیح آن‌ها.

- آموزش حقوق شهروندی و اخلاق اجتماعی از سنین ابتدایی از طریق مدارس، رسانه‌های ارتباط جمعی و خانواده‌ها، در جهت کاهش استیلاي مردانه.



بررسی عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران ۵۹

- تقویت سرمایه‌های اجتماعی و افزایش شبکه ارتباطی و ادغام اجتماعی افراد، به ویژه از طریق ساخت برنامه‌های تلویزیونی و آشنا نمودن افراد با گروه‌های اجتماعی و اقلیت‌های قومی و مذهبی.
- کمک به ارتقاء منزلت اجتماعی و اقتصادی زنان در جامعه و خانواده از طریق اهمیت قائل شدن برای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی آن‌ها.
- آموزش مهارت‌های دفاعی برای بانوان که می‌تواند در افزایش اعتماد به نفس آنان برای حضور در فضاهای شهری مؤثر باشد.

### تغییرات قانونی

- اصلاح قوانین حقوقی و کیفری در جهت تقویت حمایت‌های حقوقی از زنان، به ویژه زنان بزه‌دیده.
- تصویب قوانین لازم‌الاجرا در مقابل خشونت‌های خیابانی و خانگی در جهت حمایت از زنان آسیب‌دیده.

### جمع بندی و نتیجه گیری

نتایج مطالعات در کشورهای غربی نشان می‌دهد احتمال بزه دیدگی زنان در آزارهای جنسی، ده برابر بیشتر از مردان است ( کرول و برگس، ۱۹۹۶). مصاحبه‌های عمیق در این تحقیق نیز بیان کننده این مطلب است که گوییم این مسئله اجماع دارند که احتمال بزه دیدگی‌شان در مقابل جرایم جنسی بیش از سایر جرایم است. از این روی عده‌ای بر این عقیده‌اند که ویژگی‌های فیزیولوژیکی و زیستی زنان و عدم توانایی مقابله در برابر مردان بزه کار، شرایطی را برای آنان فراهم می‌سازد که احتمال بزه دیدگی آنان را افزایش دهد و معمولاً با افزایش سن احتمال بزه دیدگی در آزارهای جنسی به سمت بزه دیدگی در مقابل جرایم مالی سوق می‌یابد و مبین رویکرد آسیب‌پذیری در تبیین علل بزه دیدگی زنان است.

ترس از قربانی شدن و بزه دیدگی یک امر ناگهانی نیست، بلکه زنان در فرآیند اجتماعی شدن و از طریق والدین، گروه‌های همالان و وسایل ارتباط جمعی با این ایده آشنا می‌شوند که نسبت به مردان آسیب پذیرترند و توانایی کمتری برای مقابله با بزه کاران دارند که این مسئله تأثیر آشکاری بر زندگی اجتماعی زنان گذاشته و زمینه پرهیز از حضور در برخی مکان‌ها را برای آنان فراهم می‌نماید و به زنان

می‌آموزد که چگونه برای عبور و مرور در شهر و انجام امور روزمره دست به انتخاب و گزینش بزنند. پرهیز زنان از حضور در مکان‌های خلوت، تاریک، بن بست، عدم استفاده از مسافرکش‌های شخصی و دسته‌های بعضی مکان‌ها منطقه ممنوعه و بعضی ساعات منع عبور و مرور در تجربه زیسته‌ی عده زیادی از زنان، همگی برای جلوگیری از بزه دیدگی و کاهش خطرات ناشی از اعمال بزه کارانه در جامعه تعبیر می‌شود.

البته از نظر عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان متغیرهای موقعیتی در کنار بعضی شرایط ویژه نظیر معلولیت و یا اقلیت بودن ممکن است، افزایش دهنده نرخ بزه دیدگی باشد و عوامل مذکور هر کدام به صورت خاصی بر شکل‌گیری ترس از بزه دیدگی در میان زنان اثر می‌گذراند. از آنجا که از طراحی فضاهای شهری که احتمال سانحه و حادثه را بالا می‌برد، می‌هراسند. همچنین مصاحبه‌با گروهی از زنان اقلیت مذهبی و دینی تجربیات جدیدی را آشکار ساخت که درخور تأمل و بررسی بیشتر است. گونه‌ی زنان مادامی که به عنوان «اقلیت» شناخته نشوند، تجربیات مشابهی را مانند سایر زنان گزارش می‌کنند. آن‌ها معتقدند پوشش رسمی جامعه این کارکرد مثبت را دارد که آن‌ها در قالب و شکل بقیه زنان در می‌آورد، اما در صورت «شناخته شدن»، ترس مضاعفی را تجربه می‌کنند که از نظر آنان به علت تغییر نگاه و رفتارها و بعضاً فکر می‌کنند، زنان اقلیت پایبند به اصول اخلاقی نیستند، احتمال بزه دیدگی‌شان از سایر زنان می‌نماید. همچنین بر اساس نظری‌عده‌ها مصاحبه‌شوندگان نابسامانی‌های اجتماعی نظیر فقر، بیکاری و یا اشتغال زنان در مشاغل سطح پایین و کم درآمد، به ویژه در مراکز خصوصی و فاقد نظارت رسمی می‌تواند، زمینه‌ساز بزه دیدگی زنان باشد که این مسئله در سایه نابسامانی‌های خانوادگی نظیر اعتیاد والدین، طلاق و رفتار خشونت‌آمیز علیه زنان و دختران، موجبات افزایش احتمال بزه دیدگی را برای آنان فراهم می‌نماید.

در پاسخ به سؤالی که چرا بعضی زنان قربانی جرایم می‌شوند، دیدگاهی مختلفی مطرح است. توان که بعضی ضعف سیستم کیفری و نبود یا ناکارآمدی قوانین حمایتی از زنان اشاره نمود که در کنار و به حاشیه راندن زنان، به ویژه در تدوین قوانین اجتماعی و حقوقی و برنامه‌ریزی‌های شهری، موجبات محرومیت اجتماعی و قرار گرفتن به عنوان جنس دوم را برای زنان ایجاد می‌نماید. تصور جنس دوم برای زنان، آسیب‌پذیری آن‌ها را افزایش می‌دهد. آن‌ها که با بالا بردن هزینه‌ی کیفری ارتکاب جرم بر روی زنان از طریق حمایت کیفری ویژه از آن‌ها، قانون‌گذاران

بررسی عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران ۶۱

کیفری می‌توانند خطر ارتکاب جرم برای بزه کاران بالقوه را افزایش داده تا احتمال بزه دیدگی زنان و انتخاب شدنشان توسط بزه کاران را کاهش دهند (زینالی، ۱۳۸۳).

همچنین بر اساس هلمه‌الحنجرام شده، نوع رفتار و کنش اجتماعی زنان نظیر: پوشش و سهل انگاری و بی‌احتیاطی بعضی زنان زمینه‌های «جلب توجه» و «وسوسه» مجرمان را برانگیخته و آنان را نسبت به اعمال مجرمانه «ترغیب» نموده و «فرصت» بزه‌کاری را فراهم نماید که این مسئله معمولاً در کنار عدم جامعه پذیری مناسب و آموزش فرزندان در برقراری ارتباطات اجتماعی و نحوه حضور در جامعه و زندگی در شرایط نامساعد خانوادگی و به دنبال آن عدم نظارت و کنترل خانواده، زمینه افزایش نرخ بزه دیدگی را فراهم می‌نماید که در قالب نظریات مربوط به زندگی روزمره و نقش آفرینی زنان در بزه دیدگی خویش قابل تبیین است.

بزه دیدگی زنان علاوه بر آن که سلامت جسمی، روحی، روانی و ذهنی آنان اثرات نامطلوبی باقی می‌گذارد، گاهی دامن‌گیر سایر افراد خانواده شده و آنان را نیز به قربانیان غیر مستقیم جرم تبدیل می‌کند و در دراز مدت باعث افزایش ترس از جرم و نگرانی از قربانی شدن در آن‌ها شده و زندگی آنان را در هاله‌ای از ترس و تردید فرو می‌برد که ممکن است در شکل اجتناب‌های فضایی جلوه نماید. در مجموع یافته‌های حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که زنان راهکارهای فردی، موقعیتی و ساختاری را به عنوان استراتژی‌های اصلی کاهش بزه دیدگی و مقابله با جرم بیان می‌دارند که با توجه به عدم حمایت‌های ساختی و اجتماعی، اکثر آن‌ها راهکارهای فردی را ترجیح می‌دهند.

## منابع

- فارل، گراهام؛ کورتا فیلیس و کن پیز (۱۳۸۵) «چرا بزه دیدگی ثانویه اتفاق می‌افتد؟»، ترجمه‌ی نوروز کارگری، فصلنامه فقه و حقوق، سال سوم، ش ۹، صص ۱۴۱-۱۶۵.
- زینالی، حمزه (۱۳۸۳) «حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه دیدگی آن‌ها»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۱۳، صص ۱۹۷-۲۲۲.
- سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۵) «جامعه‌شناسی کجروی» مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صادقی، سهیلا (۱۳۸۸) «بررسی تطوقن زتسبیت به خشونت‌های خانگی علیه زنان» مجموعه پروژه جمعیت و توسعه دانشگاه تهران.

مارشال، کاترین و گرچن ب، راس من (۱۳۷۷) روش تحقیق کیفی، تخریجی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

میرحسینی، زهرا (۱۳۷۷) جامعه و شغل و تخریب بر ترس از جرم در میان زنان شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

نجفی ابرنآبادی، علی و حسین هاشم بیگی (۱۳۷۷) دانشنامه جرم‌شناسی اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی و موسسه گنج دانش.

**Christmann, Cris & Michelle, Rogerson.** (2004) *Crime, Fear of Crime and Quality of Life Identifying and Responding to Problems*, Sheffield Hallam University.

**Crowell, N and Burgess, A.W**(1996) *understanding violence against women*, Washington DC, National academy press.

**Giddens, Anthony** (2001) *Sociology*, with the assistance of Karen Birdsall, Editorial office: Polity Press in 2001, Reprinted 2002, 2003, 2004 Cambridge: polity(publisher).

**Koskela. Hille** (1997) "Bold Walk and Breaking", *women's spatial confidence versos fear of violence*, Gender, place and Culture, vol. 4.No.3,pp:301-319.

**Koskelsa. Hille** (1999) "Gendered Exclusions", *Women's Fear of Violence and Changing Relations to Space*. Geografiska Annaler, 81 ,pp:111-124.

**Renzetti, Claire and Shana L. Maier** (2003) *Private, Crime in Public Housing: Violent Victimization, Fear of Crime and Social Isolation Among Women Public Housing Residents*, Publisher: Pristine Publications.

**Scott, Hannah** (2003) *Stranger Danger: Explaining. Fear of Crime*, Western Criminology Review, The University of Memphis.

**Skogan, Wesley G** (1987) "The Impact of Victimization on Fear", sage Publications, *Crime & Delinquency*, Vol. 33, No. 1, pp: 135-154 .

**Stanko. Elizabeth** (1990) *everyday violence. Howw women and men experience sexual and physical danger*, London pandora press.

**Valentine, Gill** (1992) "Images of danger", *Women's sources of information about the spatial of male violence*, Area ,24:22-9

**Zedner, Lucia** (2003) "victims", part 3 *Dimensions of crime .in the oxford handbook of criminology*, edited by Mike Maguire.et.al, oxford university press, First Published.